

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده‌ی ادبیات، زبان‌ها و تاریخ

پایان‌نامه جهت دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان

## تحلیل گفتمان انتقادی گلستان سعدی

استاد راهنما

دکتر نسرین فقیه ملک‌مرزبان

استاد مشاور

دکتر فرهاد ساسانی

دانشجو

مرجان فردوسی

شهریور ۱۳۸۹

کلیه‌ی دستاوردهای این پژوهش متعلق به دانشگاه الزهرا (س) است.

سپاس و احترام من نثار:

دکتر نسرین فقیه ملک مرزبان

دکتر فرهاد ساسانی

دکتر مریم حسینی

و

دکتر فرزانه سجودی

به چشمان مادرم که «بر سیستان حیات من می نگرد

تا از سبزه می نارس خویش،

سرخ بر آید»

و

به مهر پدرم که به من آموخت

«جستن... یافتن

و آن گاه

به اختیار برگزیدن

و از خویشتن خویش

بارویی پی افکندن»

## چکیده

در تحلیل انتقادی گفتمان، فرض بر این است که زبان آن آیینی شفاف نیست که حقایق را به تمامی بازمی‌نمایاند، بلکه تحت تأثیر عوامل متعدد بیرونی و درونی، حقایق را معوج و تحریف‌شده نمایش می‌دهد و این تحریف و چگونگی رخداد آن نشان از اعمال قدرت آشکار و نهان نهادهای اجتماعی و تاریخی دارد. بنابراین عمده‌ترین هدف تحلیل انتقادی گفتمان، کشف راهبردها و ابزارهای گفتمان‌مداری است که منجر به ایجاد سلطه و نابرابری در جامعه و تبلور این نابرابری در زبان می‌شود. این پژوهش تلاشی است برای شناخت گفتمان‌های طبیعی شده و نیز بررسی نابرابری‌های اجتماعی از خلال متن گلستان.

برای این منظور از نظریه‌های مایکل هلیدی جهت تحلیل متن و نورمن فرکلاف جهت تبیین ابعاد اجتماعی و چگونگی پیوند آن با متن استفاده شد. از میان ابزارهای پیشنهادی جهت تحلیل متن، فرانش اندیشگانی با تمرکز بر فرآیندها و نام‌گذاری‌ها انتخاب شد. همچنین با تکیه بر نظرات فرکلاف، متن مورد نظر در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، بررسی و از این رهگذر پیوند میان متن و جامعه بازمی‌نمایی شد.

آنچه از بررسی و تحلیل حاصل شد ناظر بر تعریف دو گفتمان اصلی تحت عنوان گفتمان حکومتی و گفتمان معنوی است. با تبیین نقش و جایگاه مشارکان هر یک از این گفتمان‌ها، نهایتاً به این نتیجه دست یافتیم که گفتمان غالب گلستان، گفتمان معنوی است و از میان مشارکان آن، خداوند بر فضای گلستان برتری مطلق دارد.

**واژه‌های کلیدی: تحلیل انتقادی گفتمان، نورمن فرکلاف، مایکل هلیدی، فرانش**

**اندیشگانی، قدرت، ایدئولوژی، گلستان سعدی.**

## فهرست

الف.....	پیش گفتار.....
۱.....	<b>فصل اول: مقدمه.....</b>
۲.....	معرفی موضوع پژوهش.....
۳.....	ضرورت پژوهش.....
۴.....	پرسش‌های پژوهش.....
۴.....	فرضیه‌های پژوهش.....
۴.....	مفاهیم بنیادی.....
۵.....	گفتمان و تحلیل گفتمان.....
۵.....	تحلیل انتقادی گفتمان.....
۶.....	قدرت / سلطه / هژمونی.....
۷.....	ایدئولوژی.....
۸.....	زبان.....
۸.....	طبیعی‌سازی.....
۸.....	بافت متنی / بافت موقعیتی.....
۹.....	روش پژوهش و گردآوری داده‌ها.....
۱۲.....	پیشینه‌ی پژوهش.....
۲۲.....	<b>فصل دوم: مباحث نظری.....</b>
۲۳.....	زبان‌شناسی نقش‌گرا.....
۲۴.....	دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی.....
۲۵.....	فرانقش‌های زبان.....
۲۶.....	نظام گذرایی.....
۲۷.....	بند به مثابه‌ی جایگاه تبلور فرانقش.....
۲۸.....	فرآیندها، مشارکان فرآیند، موقعیت فرآیند.....
۲۸.....	تقسیم‌بندی فرآیندها.....
۲۹.....	فرآیند مادی.....
۳۰.....	فرآیند ذهنی.....
۳۱.....	فرآیند رابطه‌ای.....

۳۱	فرآیند کلامی.....
۳۲	فرآیند رفتاری.....
۳۳	فرآیند وجودی.....
۳۳	نام‌دهی.....
۳۴	فرانقش بینافردي.....
۳۴	فرانقش متنی.....
۳۵	تحليل انتقادی گفتمان و ادبیات.....
۳۷	تاریخچه‌ی گفتمان و مطالعات گفتمانی.....
۳۸	رویکردهای مطرح تحلیل انتقادی گفتمان.....
۳۹	نگاه میشل فوکو به گفتمان.....
۴۰	رویکرد تئون ون‌دایک.....
۴۱	رویکرد روت وداک.....
۴۲	رویکرد نورمن فرکلاف.....
۴۳	الگوی سه‌لایه‌ای فرکلاف.....
۴۳	تحليل متن.....
۴۴	تحليل کردار گفتمانی.....
۴۴	تحليل کردار اجتماعی.....
۴۵	انواع سطوح تحليل از نظر فرکلاف.....
۴۶	ویژگی‌های زبان‌شناختی ساختار خرد گفتمان.....
۴۶	ساختار کلان گفتمان: ایدئولوژی و ساختارهای اجتماعی.....
۴۷	اصول مشترک رویکردهای تحليل انتقادی گفتمان.....
۴۷	روش‌شناسی تحليل گفتمان انتقادی.....
۵۰	<b>فصل سوم: تاریخ اجتماعی عصر سعدی.....</b>
۵۱	مختصری از شرح حال سعدی.....
۵۳	فضای سیاسی و اجتماعی قرن هفتم.....
۵۵	تشکیلات سیاسی و حکومتی سلجوقیان.....
۵۷	اتابک ابوبکر سعد زنگی، ممدوح سعدی.....
۶۰	ارتباط امرای ایران با خلفای عباسی بغداد.....



۶۰	میراث‌های فرهنگی و اجتماعی به جا مانده از عهد سلجوقیان
۶۰	نظامیه‌ها
۶۲	شیخ شهاب‌الدین ابوحفص عمر سهروردی
۶۳	جمال‌الدین ابوالفرج عبدالرحمن جوزی
۶۴	شیخ ابوعبدالله بن خفیف شیرازی
۶۵	برادران غزالی، ابوحامد و احمد
۶۵	سعدی و ابوحامد محمد غزالی
۶۷	سعدی و احمد غزالی
۷۰	تصوف و نفوذ و قدرت خانقاه‌ها و مشایخ
۷۳	مشایخ صوفیه، قطب اصلی قدرت در تصوف
۷۶	وضعیت اقتصادی
۷۸	جنگ‌ها
۸۱	مدرسه‌ها
۸۲	کلام اشعری و تکیه بر جبر
۸۳	<b>فصل چهارم: تحلیل متن گلستان</b>
۸۶	(الف) مشارکان گفتمان‌های حکومتی
۸۶	پادشاه
۱۱۵	وزیر
۱۱۷	قاضی
۱۱۸	لشکری
۱۱۹	منجم
۱۲۱	رعیت
۱۲۲	(ب) مشارکان گفتمان معنوی
۱۲۲	خداوند
۱۳۵	درویش
۱۳۹	قناعت
۱۴۶	قضا و قدر، بخت و اقبال، تقدیر و مشیت
۱۴۸	اجل و مرگ

ج) گفتمان‌های پراکنده.....	۱۴۹
هنر.....	۱۴۹
عشق.....	۱۵۰
معلم، عالم، حکیم، دانشمند، فقیه.....	۱۵۲
ثروتمندی (توانگری).....	۱۵۴
<b>فصل پنجم: ایدئولوژی‌ها و قدرت‌ها.....</b>	<b>۱۵۷</b>
الف) تفسیر و تبیین گفتمان حکومتی..	۱۵۹
ب) تفسیر و تبیین گفتمان معنوی.....	۱۶۸
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۱۷۵
مروری بر فصل‌های پیشین.....	۱۷۵
بررسی فرضیه‌ها.....	۱۷۶
دستاورد‌های پژوهش.....	۱۷۷
طبیعی‌سازی گفتمان حکومتی و تثبیت قدرت پادشاهی.....	۱۷۷
خداوند، مسلط‌ترین قطب گفتمان حاکم بر کل گلستان.....	۱۷۸
قناعت؛ سلاح دوم صوفیان.....	۱۷۹
پیشنهادها.....	۱۷۹
مآخذ.....	۱۸۰

## فهرست جدول‌ها

- جدول الف-۱: توزیع رفتارها و کنش‌های پادشاه نسبت به مشارکان دیگر..... ۹۱
- جدول الف-۲: توزیع نام‌های به‌کارگرفته‌شده از جانب مشارکان دیگر در خطاب به پادشاه و پادشاه‌زادگان..... ۱۰۵
- جدول الف-۳: توزیع کنش‌های به‌کارگرفته‌شده از جانب مشارکان دیگر در قبال پادشاه..... ۱۱۱
- جدول ب-۱: موضع‌گیری گفتمان صوفیان نسبت به خداوند..... ۱۲۶
- جدول ب-۲: موضع‌گیری گفتمان پادشاهی نسبت به خداوند..... ۱۳۰
- جدول ب-۳: موضع‌گیری مشارکان دیگر نسبت به خداوند..... ۱۳۳
- جدول ب-۴: خطاب و نسبت‌دهی درویش به پادشاه..... ۱۳۷
- جدول ب-۵: گفتار درویش با پادشاه..... ۱۳۸
- جدول ب-۶: نام‌گذاری درویش از جانب مشارکان مختلف..... ۱۴۵
- جدول ب-۷: قضا و قدر، بخت و اقبال، تقدیر و مشیت..... ۱۴۷

## پیش‌گفتار

تحلیل انتقادی گفتمان، گرایشی از رشته‌ی زبان‌شناسی است که زبان را به مثابه‌ی عمل اجتماعی در ارتباط با قدرت، ایدئولوژی و گفتمان مطالعه می‌کند. این رویکرد از زبان‌شناسی معتقد است که عواملی همچون بافت تاریخی، روابط قدرت و سلطه، نهادهای فرهنگی و اجتماعی و ایدئولوژیکی، متن یا صورت‌زبانی و معانی جدید را به وجود می‌آورند و گفتمان‌ها را می‌سازند. سپس گفتمان‌های مورد نظر با ایدئولوژی و اهداف خاص در گذر زمان از طریق نهادهای اجتماعی به گونه‌ای در جامعه جا می‌افتند و طبیعی جلوه می‌کنند که مردم، آن گفتمان و ایدئولوژی ناشی از آن را امری طبیعی، منطقی و به انتخاب خود قلمداد می‌کنند و بی‌هیچ مقاومتی آن را می‌پذیرند؛ در حالی که تصور می‌کنند آزادانه به اختیار خود می‌اندیشند، قضاوت می‌کنند و تصمیم می‌گیرند. در واقع گفتمان‌ها با ایدئولوژی‌ها رابطه‌ای دو سویه دارند که طی آن گفتمان‌ها شکل‌دهنده و القاکننده‌ی ایدئولوژی‌ای خاص در جامعه محسوب می‌شوند. از این رو وظیفه‌ی تحلیل‌گر زبان‌شناسی انتقادی این است که به کمک فنون موجود در این رویکرد، پرده از صورت‌ظاهر متون بردارد و آنچه در لایه‌های زیرین زبان لانه گرفته و مخفی مانده آشکار کند؛ آنچه طبیعی جلوه داده شده طبیعی‌زدایی نماید تا مردم با درک حقایق در زندگی و در رقم زدن سرنوشت خویش تصمیم‌گیری کنند. به اعتقاد صاحب‌نظران این رویکرد، هر متنی قابلیت تفسیرپذیری با این فنون را دارد. در این پژوهش تلاش شده است تا با به کارگیری از برخی ابزارهای این رویکرد، اثری ادبی متعلق به قرن هفتم بررسی و تحلیل، و زوایای پنهان متن و لایه‌های زیرین آن کندوکاو شود. این امر جز با در نظر داشتن زمینه‌های اجتماعی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی روزگار خلق اثر میسر نمی‌شود. از این رو رویکردهای جامعه‌شناختی و تاریخی نیز به یاری این پژوهش آمدند تا با در نظر داشتن ابعاد زبان‌شناختی، جامعه‌شناختی، تاریخی و ادبی، تفسیری جامع از متن مورد نظر ارائه شود و چرایی خلق آن در

آن روزگار تبیین گردد؛ هم‌چنین با آشکار کردن زوایای پنهان متن و با ارجاع به جامعه آن روزگار، ایدئولوژی‌های جاگرفته در بطن آن و ساز و کار طبیعی‌شدگی آنها روشن شود.

# فصل اوّل

مقدمه

## معرفی موضوع پژوهش

گلستان به عنوان اثری ادبی و برآمده از جامعه‌ی قرن هفتم حاوی پیام‌ها و صدای عصر خویش است و در نتیجه قابلیت آن را دارد که از زوایای گوناگون جامعه‌شناختی، سیاسی، فرهنگی و... مورد بررسی قرار گیرد. یوسفی گلستان را توصیف جامعه‌ی وقت سعدی می‌داند (یوسفی، ۱۳۸۱: ۳۳) و معتقد است که در این اثر سعدی، می‌توان نمایشی از اجتماع عصر او را دید (همان، ۳۵) که نویسنده از خلال حکایت‌های هر باب به توضیح جامعه و مردمان زمان خود می‌پردازد. زبان و چگونگی طرح اوضاع اجتماعی و روابط مردمان عصر سعدی و تأثیر ساختار نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمانه‌ی سعدی بر این اثر، و تحلیل و تبیین آن دغدغه‌ی این پژوهش است.

بر اساس نگرش جدید به زبان، معنا محصول شرایط فرهنگی و اجتماعی است که در زبان به واقعیت می‌پیوندد. گفتمان‌ها نظام‌هایی هستند که زبان و همه‌ی پدیده‌های اجتماعی دیگر را در سیطره‌ی خود می‌گیرند. بنا بر این نگرش، گفتمان نظامی است که از زبان بزرگتر است و چگونگی آن را تعیین می‌کند. تحلیل انتقادی گفتمان در جهت رسیدن به تبیین بهتر

صورت‌های کاربردی زبان و دور شدن از توصیف صرف، مفاهیم قدرت و ایدئولوژی را نیز به کار می‌گیرد. در این رویکرد باید از توصیف زبانی فراتر رفت تا بتوان به تبیین دست یافت. در این شیوه با سه مقوله‌ی اصلی زبان، قدرت و ایدئولوژی مواجهیم. در تحلیل انتقادی گفتمان روابط قدرت، چیزی نامتقارن، نابرابر و سلطه‌آور است که برای تثبیت و مشروعیت‌بخشی به جایگاه خود از ایدئولوژی‌ها سود می‌برد. در واقع ایدئولوژی‌ها توجیه‌کننده‌ی سلطه و روابط نابرابر قدرت هستند و این کار را به کمک زبان انجام می‌دهند. این پژوهش با انتخاب اثری ادبی از قرن هفتم و یافتن ارتباط بین ساختار متن این اثر و نظام قدرت‌ها و ایدئولوژی‌های غالب در زمانه‌ی شکل‌گیری آن، قصد دارد به تبیینی از تأثیر و ارتباط متقابل متن و شرایط اجتماعی مربوط به آن دست یابد. برای این منظور در باب تحلیل متن از دستور نقش‌گرایی مایکل هلیدی<sup>۱</sup> و برای تفسیر و تبیین زوایای ایدئولوژیک و گفتمانی متن از رویکرد نورمن فرکلاف<sup>۲</sup> در تحلیل انتقادی گفتمان استفاده شده است.

### ضرورت پژوهش

تحلیل و بررسی متون ادبی، اغلب با رویکردی صرفاً توصیفی از متن انجام می‌گیرد و به ندرت شیوه‌های تحلیلی دیگر را می‌توان یافت که با رویکردی جامع‌تر، بافت و عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر شکل‌گیری متن را نیز در نظر گیرند و آن‌ها را مورد بررسی قرار دهند. از آن‌جا که تحلیل انتقادی گفتمان به عنوان منظر و روشی نوپا، ضرورت به کارگیری تحلیلی جامع از متن و بافت اجتماعی را هم‌زمان در نظر دارد، قصد این پژوهش بر آن قرار گرفت تا با این رویکرد، نگاهی شامل‌تر به اثری ادبی داشته باشد و با دخالت دادن بافت اجتماعی فراگیرنده‌ی اثر از منظر کلان‌تر به بررسی آن بپردازد.

---

<sup>۱</sup> - Michael Alexander Kirkwood Halliday

<sup>۲</sup> - Norman Fairclough



## پرسش‌های پژوهش

این پژوهش در راستای پاسخ‌گویی به پرسش‌های ذیل صورت می‌گیرد:

۱. ساختار اجتماعی عصر سعدی چه تأثیری در ساختار ادبی اثر وی داشته است؟
۲. قدرت‌های موجود در گلستان سعدی کدام‌اند؟
۳. گفتمان غالب در گلستان چیست؟

## فرضیه‌های پژوهش

۱. بازتاب شرایط اجتماعی و سیاسی این عصر را می‌توان در انتخاب‌های متعددی از سطح واژه‌ها تا ساختار و شکل چیدمان حکایت‌ها، یعنی باب‌بندی و نام‌گذاری هر باب مشاهده کرد.
۲. قدرت‌های موجود در گلستان، دو طیف اصلی و فرعی را تشکیل می‌دهند. هم‌چنین قدرت‌ها نه تنها از میان مشارکان اجتماعی هم‌چون پادشاه یا درویش دیده می‌شوند، بلکه مفاهیم تأثیرگذاری چون قناعت، تقدیر و... را نیز دربرمی‌گیرند.
۳. به طور کلی گفتمان‌های اصلی گلستان را می‌توان در قالب دو رویکرد حکومتی و معنوی در نظر گرفت. اما گفتمان برتر و غالب این اثر، گفتمان معنوی است که با وجود مشارکی چون خداوند، قدرتمندترین گفتمان این اثر به نظر می‌آید.

## مفاهیم بنیادی

برای درک بهتر مفاهیم غالب این پژوهش توضیح برخی اصطلاحات ضروری می‌نماید:

## ۱. گفتمان<sup>۱</sup> و تحلیل گفتمان<sup>۲</sup>

به گفته‌ی ساسانی (۱۳۸۷: ۳۷) در مقدمه‌ی کتاب *خاطره و گفتمان جنگ*، «گفتمان» واژه‌ای پرابهام با معنایی متعدد و متفاوت تلقی می‌شود. اما در این پژوهش این مفهوم با دو تعبیر مد نظر است: (۱) «گفتمان به معنای زبان در کاربرد اجتماعی، (۲) گفتمان به معنی قواعد و ساختارهایی که باورها، ارزش‌ها و قالب‌های خاصی را به شکلی نظام‌مند در خود دارد و موجب نگرستن به دنیا از زاویه‌ای خاص می‌شود و هنگام تجربه و در تعامل و ارتباط بازنمایی کلامی را سازمان‌دهی می‌کند» (همان: ۳۸).

بنا بر تعریف گفتمان به مثابه‌ی کاربرد زبان به صورت عملکردی اجتماعی، فرکلاف (۱۹۹۵): (۷) تحلیل گفتمان را تحلیل چگونگی عملکرد متن‌ها درون عملکرد اجتماعی و فرهنگی می‌داند.

## ۲. تحلیل انتقادی گفتمان<sup>۳</sup>

به گفته‌ی سلطانی (۱۳۸۴: ۳۰ و ۳۱) این رویکرد، نوعی از تحلیل گفتمان است که از سطح توصیف فراتر رفته و به تبیین می‌رسد و این کار را از طریق وارد کردن مفاهیمی چون قدرت و ایدئولوژی در تحلیل گفتمان، و هم‌چنین در نظر گرفتن عواملی چون بافت تاریخی، روابط قدرت/سلطه، نهادهای ایدئولوژیک، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی انجام می‌دهد. تحلیل انتقادی گفتمان، علاوه بر توصیف وضع داده‌های زبانی و معنایی موجود در چارچوب گفتمان مورد نظر، دلایل چرایی و چگونگی این وضع را نیز بیان می‌کند.

---

<sup>1</sup> - discourse

<sup>2</sup> - discourse analysis

<sup>3</sup> - critical discourse analysis

### ۳. قدرت<sup>۱</sup> / سلطه<sup>۲</sup> / هژمونی<sup>۳</sup>

به عقیده‌ی فیرحی (۱۳۷۸: ۲۰) «برداشت تحلیل‌گران انتقادی گفتمان، از قدرت رابطه‌ای الزام‌آور بین دو گروه حاکم و فرمان‌بردار است که در این چارچوب دسته‌ی نخست، گروه دوم را تابع و مطیع اراده‌ی خود می‌کند و فرمان‌برداران نیز اطاعت از حاکمان را حق و مشروع تلقی می‌کنند... آن‌چه در این تعریف مهم است، اجتماعی بودن قدرت و پیوند آن با مشروعیت است.» از این رو روابط نامتقارن و بازتولید نابرابری‌های اجتماعی از این نوع نگرش حاصل می‌آید. قدرت، مشخصه‌ای از بافت و جامعه محسوب می‌شود که به طور کلی بر گفتار و نوشتار تأثیر می‌گذارد. در تحلیل انتقادی گفتمان، مفهوم قدرت، غالباً در بستری گروهی و اجتماعی مدّ نظر است و از اشکال مختلف قدرت فردی چشم‌پوشی می‌کند، مگر آن‌که اساس قدرت فردی بر عضویت در گروه‌های اجتماعی استوار باشد. به بیانی دیگر، قدرت بر دسترسی ممتاز و تبعیض‌آمیز به منابع اجتماعی ارزشمندی چون ثروت، شغل و پایگاه اجتماعی استوار است. اما آن‌چه در تحلیل انتقادی گفتمان بر آن تأکید می‌شود نفس قدرت نیست، بلکه سوء استفاده و بهره‌گیری نامشروع از قدرت است که منجر به سلطه‌ی گروهی بر گروه دیگر می‌شود. در نتیجه برای ایجاد تمایز میان چنین قدرتی از اشکال مشروع و قابل قبول آن، از تعبیر «سلطه» استفاده می‌شود. سلطه «نوعی سوءاستفاده از قدرت اجتماعی یا به بیانی دیگر اعمال کنترل قانوناً یا اخلاقاً نامشروع بر دیگران در راستای منافع خود است که اغلب به نابرابری اجتماعی می‌انجامد» (ون دایک<sup>۴</sup>، ۱۳۸۲: ۳۵۰). سلطه به دلیل اعمال تدریجی آن، ممکن است با مقاومت یا قدرت متقابل از سوی گروه‌های تحت سلطه مواجه شود؛ اما آن دسته از اشکال

---

1 - power

2 - dominance

3 - hegemony

4 - Teun A. Van Dijk

ظریف آن که مستمر به نظر می‌رسند تا وقتی که مورد اعتراض واقع نشوند طبیعی جلوه می‌کنند.

طبیعی جلوه کردن سلطه در نظر گروه‌های تحت سلطه، منجر به شکل‌گیری هژمونی می‌شود. «قدرت هژمونیک مردم را به انجام اعمالی وا می‌دارد که گویی این اعمال طبیعی، عادی یا صرفاً مبتنی بر توافق و اجماع بوده است» (ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۱۳). در واقع هژمونی از طریق کنترل غیرمستقیم اعمال، و به کار بستن راهکارهای ظاهراً مشروع، اذهان را به طریقی شکل می‌دهد که مردم آزادانه و با طیب‌خاطر و به بهترین وجهی منافع گفتمان مسلط را تأمین می‌کنند؛ سلطه‌ی مورد نظر را طبیعی می‌دانند و بی‌هیچ فرمان، درخواست یا حتی پیشنهادی در جهت منافع صاحبان قدرت عمل می‌کنند.

#### ۴. ایدئولوژی<sup>۱</sup>

این مفهوم در تحلیل انتقادی گفتمان «ابزار ایجاد و حفظ روابط نابرابر قدرت در جامعه است. این کار به کمک زبان صورت می‌گیرد. در واقع ایدئولوژی با وساطت زبان در نهادهای اجتماعی به جریان می‌افتد» (Wodak, 2001: 10) تا مناسبات قدرت طبیعی جلوه کنند. در واقع ساخت‌های ایدئولوژیک از طریق لانه گرفتن در لایه‌های زیرین زبان - که مستعد پنهان‌کاری بیشتر و صراحت کمتر در امر ارتباط هستند - به طور غیر مستقیم به اهل زبان عرضه می‌شوند و از این طریق سلطه و روابط نابرابر قدرت را توجیه می‌کنند. هدف تحلیل انتقادی گفتمان، مشخص کردن سازوکار این پنهان‌کاری است که به وسیله‌ی آن می‌توان نیت گوینده یا نویسنده را فهمید.

---

<sup>1</sup> - ideology